

ضد انقلاب در تنگنای یک شکست ننگبار

حقیقت انقلاب ثور، دوشنبه ۲۰ حوت ۱۳۵۸

۱۰ مارچ ۱۹۸۰

(در پیوند با حوادث حوت ۱۳۵۸ شهر کابل)

ظاهر طنین

دشمنان مردم ما با پر روئی کامل همین اکنون برای پوشش شکست ننگبار و شرمگین خود، شورش ضد انقلابی سه حوت را در پناه عبارات به اصطلاح عقلائی «قیام ملی» جا می زنند و غوغای آشوبگران اجیر را که سیمای کریه و نکبت بار امپریالیسم و مائویسم و ارتجاع سیاه از ورای آن به صراحت نمایان است به «ضعف» ما عطف می نمایند.

مردم ما گواه زنده اند که شورش ضد انقلابی سه حوت جریان یافته بود که مقدمات و نقشه عملی آن در تالار های در بسته و اتاقک های الکترونیکی سیاه تدارک یافته بود. امپریالیسم خونین امریکا در اتحاد نا مقدس و سیاهکارانه با رهبری پکن و ارتجاع پاکستان از دو ماه بدینسو در تلاش جنون آمیز و وسیع و در طی ملاقات ها و دید و وادید های گسترده کار اقدامات عملی علیه مرحله نوین انقلاب ثور را طرحریزی نموده و تدارک دیده بودند. اسناد و گواهی های فراوان نقش مستقیم امپریالیسم امریکا و متحدین نابخرد آن را در حوادث اخیر با وضوح کامل به اثبات می رساند.

سوال اینجاست که چگونه دشمنان ما عملیات ضد انقلابی اخیر را که چیزی چیز نیرنگ نو استعماری آزمون یافته نبود «قیام ملی» (!) جا می زنند و آن را دلیل «ضعف» ما تلقی می نمایند؟!

پاسخ روشن است: ضد انقلاب دیربست که با تغذیه از هیجانات مذهبی دامنه گسترده بی به عملیات ضد انقلابی بخشیده است و این یگانه راه ممکن برای «نجات» (!) طبقات استثمارگر و بیداد گر از بحران فرسایشگر و دامنگیر شان بوده که بوسیله آن شاید (!) می توانستند لبه تیز خشم توده ها و خلق ما را از جانب استثمارگران برگردانند. بقای ضد انقلاب در دامن زدن به همین هیجانات نهفته است. و این نکته بی بود که آن ها بدان پی برده بودند.

تهیه، ترتیب و تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

انقلاب ثور مولود وضع انقلابی مسلط بر جامعه ما بود، که بر طبق نیازمندی قانونمند تکامل اجتماعی زاده شد. انقلاب ثور پدیده تصادفی و غیرقانونمند نبوده است.

وضع انقلابی جامعه ما در همپیوندی با عامل ذهنی قوتمند یعنی ح.د.خ.ا. عامل اصلی تکوین کیفی انقلاب ثور است. و اینجاست که ضد انقلاب بر خلاف قانونمندی تکامل در معامله با باندیست های خائن و مرتد امینی و با تکیه بر همان هیجانات نامبرده راه «رام» کردن توفان سهمگین انقلابی را (!) در پیش گرفتند تا استثمار گران و جباران را از ورطه نابودی حتمی نجات دهند و بدینگونه سترون بودن اندیشه های خود را از طریق نفی ضروریات رو به گسترش و عینی پنهان نگهداشتند.

دشمنان مردم ما با توطئه جنایت، ترور، خیانت، آدمسوزی، خرابکاری و سوء استفاده از اعتقادات مذهبی توده ها خواستند راه انقلاب را سد نمایند و عینیت تکاملی جامعه ما را انکار نمایند. ولی این حزب دموکراتیک خلق افغانستان است که به فریاد زمان پاسخ داد، توده ها را بسیج نمود، شاهراه تکامل را باز کرد روش انقلابی را پی در پی ادامه داد و در شش جدی یکبار دگر بر اساس اراده توده های خلق طرد شیوه سابق زندگی سیاسی را اعلام و راه اصیل و واقعی انقلاب را روشن ساخت.

امپریالیسم و در راس امپریالیسم امریکا بعد از شش جدی در التهاب فزاینده تمام نیروی خود را بسیج کرد تا قبل از آن که توده ها این حامیان بالقوه ملیونی انقلاب ما به پشتیبانی آگاهانه و فداکارانه از انقلاب بپا خیزند، به فعل عقیم حیل و توطئه های خود باب نوی گشود و اقدامات عاجل!! را معرض اجرا گذاشت جنگ روانی جنون آمیز، تفرقه افگنی سیاسی، ملی و مذهبی شایعه و شایعه سازی، اقدامات نظامی تصویر مختصری است از تلاش های خودپو و کور امپریالیسم در مقابله با اقدامات دموکراتیک انسانی، اصولی دقیق و خونسردانه جمهوری دموکراتیک افغانستان که بعد از تحول شش جدی تظاهر عملی وسیعی داشته است. اقدامات دولت انقلابی ما دشمنان ما را عاصی ساخت زیرا جریان تبدیل پشتیبانی بالقوه مردم از انقلاب به پشتیبانی بالفعل از آن جریان شد محسوس و دائم التزاید.

بدین جهت همه نیروهای وابسته به بت طلایی دالر و پوند راهی نداشتند جز شورش عصیانگرانه و ویرانگر و به اصطلاح کشاندن قصدی مردم بر ضد انقلاب و تحمیل شدت عمل و خشونت دولت بر مردم. ولی آن ها کور خوانده بودند دولت ما دوستان و دشمنان خود را تفکیک نمود و خرس های تیر خورده و عصبی یکه و تنها و دور از مردم را از پشت دیوار ها و کنج باغ ها به پنجال قانون سپرد و وقتی مردم به اینها نفرین کرد آنگاه نوحه دیگری سر دادند.

www.esalat.org

یعنی حالا دشمنان ما تروریسم ضد انقلابی خود را در زیر عبارت «قیام ملی» پنهان می کنند. توطئه گری گروهی و انتقامجویانه را عصیان توده ای می نامند و این واضحاً انقلابیگری کاذب آنده «عالیجنابان» است که بعد از هر شکست وظیفه می یابند تا استدلال دفاعی بسازند. (!)

این طرحها در محیط بکر روشنفکری و قشرهای میانه نا آگاه از مبارزات طبقاتی با هیاهوی فراوان رها می شود ولی این همان طرح آشنای «مبارزه مسلحانه» و «تروریسم» انقلابی گرانه است.

بلوای خرابکارانه و ضد انقلابی گروهی معدود و آنهم ناهمگون را در جایی «قیام ملی» (!) و در جایی «جنبش مذهبی» نامیدن و تمامی جنایات خود را زیر پرده «حماسه ملت» پنهان نمودن و شرارت بارترین فتنه گری خود را «امواج مقاومت ملی» نام گذاردن، و بر همه اعمال رذیلانه و هرج و مرج طلبانه مسلح خود عنوان «تظاهرات مسالمت آمیز» (!) بخشیدن چیزی نیست جز ریاکاری سالوسانه، جز اعترافات شرمگین به همه جنایات انجام شده خود.

منطق این شورش ضد انقلابی همان منطق آشنای ترور است که به گفته یکی از رهبران بزرگ زحمتکشان جهان:

«ترور منطق خود را دارد، منطق نومید شدن . . . منطق باور از دست رفته به توانایی توده ها . . . منطق حالت غیر عادی و هستریک مختص روشنفکران و منطق ناتوانی . . .»

و هم:

«کسی که ایمان خود را به این پیوند «با توده ها» از دست داده باشد و یا هیچگاه بدان ایمان نداشته باشد، برایش دشوار است که احساس برآشفته گی و نیروی خود را در راهی به جز از ترور به کار برد.»

تجربه نشان داده است که شیوه عمل ضد انقلابیون همیشه شیوه بوده است در جهت تحمیق توده ها که با کار توده ای هیچ نوع ارتباطی نداشته است.

ضد انقلابیون نیروی خود را در آن می بیند تا بر خلاف امر قانونمند تکامل عمل نمایند و حقایق را نادیده بگیرند. منطق آن ها منطق بی باوری و خرابکاری است. باکونین پدر بدترین نوع انارشسیسم می گفت:

«ما با اعتقاد بر اینکه رهایی کامل و خوشبختی مردم فقیر و زحمتکش تنها از طریق یک انقلاب خلقی و ویرانگر مقدور است، جمعیت ما باید با تمام قوا و با استفاده از تمام وسایل به تکامل و

گسترش آن فلاکت ها و بدبختی ها کمک کند که باید کاسه صبر مردم را لبریز کرده و آن را به قیام بر انگیزند»

چپرو معروف دیگری برای شورش های ضد انقلابی طرح زیرین را می دهد:

«بی آنکه رد پای از خرابکاری خود بگذارید، در امر تولید اخلاص کنید ماشین ها را از کار بیاندازید، در کار خود عمداً بی دقتی کنید و یا حتی ابزار کار را بدزدید.»

چنین است شیوه عمل آن هائیکه خود را مجاهدین اسلام (!) می نامند و یا هم انقلابیون ارتودوکس (!) و بعد از آن بر این اعمال نام «قیام ملی» می گذارند.

آقایان انقلاب آخرین چاره بیچارگان نیست، این شعار پوچ است که «هرچه بد تر، بهتر» اعمال شما جز جنون وحشی و دلتنگ چند فرد غیر متعارف عنوان دیگری گرفته نمیتواند.

انارشسیسم و هرج و مرج طلبی جریان نیست غیر انقلابی و ثابت کننده عدم اعتقاد شما به مردم و به قانونمندی تکامل جامعه.

آن دوران گذشته است که دگر بتوان آیین های کوتاه نظرانه و غرض آلود را بر مردم تحمیل کرد مردم ما روز تا روز به بیهوده گی و چهره کذایی شما پی می برند و بخوبی می دانند که ستاد نوزایی تاریخ در کجاست و فضیلت نایاب پیشآهنگی خلق با کی است. مردم ما در نیکخواهی کامل به دولت انقلابی شان بروی شما تُف می اندازند و نفرین می گویند.

ما با انقلاب هستیم با فریاد زمان و نیاز تاریخ و شما با دشمنان خلق با ضد انقلاب و درست نقطه مقابل خواست زمان.

بگذار همه دشمنان زوزه بکشند، فریاد کنند، های و هوی براه بیاندازند ولی ما باغهای بزرگ بشارت را با خونمان فتح می کنیم.

خون ما، خون رفقای ما بر بام های ناشناس و معابر بی نام گواه صداقت ماست. صداقت به خلق و به انقلاب و به آینده زیبا.

تهیه، ترتیب و تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

۳ مارچ ۲۰۱۶